

نگاهی به سیره تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

معصومه اسماعیلی

مرکز فرهنگ و معارف قرآن

مقدمه

سیره تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برگرفته از سالها تلاش بی دریغ اسوه بشریت در راه تربیت انسان است و حاصل روزهای سختی و مشقت‌های فراوان ایشان در راه تربیت و تأدیب عباد است.

پیامبر اسوه خوبی‌ها است و زندگی او سرشار از سختی‌ها و مشقت‌هایی است که در راه تربیت بشر متحمل گشته است. اخلاق نیکو، صبر و استقامت، پشتکار، گذشت و تواضع پیامبر مخاطب را در حیرتی روزافزون فرو می‌برد و ادب و خلق نرم ایشان باعث جذب مردم می‌شد. خداوند به رسول خود فرمود: «قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» و پیامبر صلی الله علیه و آله با بهترین شکل ممکن فرمان پروردگار را تعظیم کرد و روزی که معاذ برای سفر تبلیغی و تربیتی به یمن رهسپار بود به او فرمود: «علیک بالرفق والعفو» و خطاب به مسلمانان فرمود: «لَئِنِوَالِئِمَّنْ تُعَلِّمُون؛ به کسانی که به آنان می‌آموزید نرمی کنید.» و اینگونه بود که فوج مؤمنین به اسلام هر روز بیشتر می‌شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به خوبی و اخلاق نیکو امر می‌کرد و خود اسوه نیکویی و الگوی اخلاق حسنه بود.

اصول لازم برای تربیت

سیره تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بصورتی کاملاً منظم بر پایه اصولی مستحکم است که بنیان تربیتی دین را نمودار می‌سازد. اصول تربیتی خاصی که از سیره نبوی استنباط می‌شود به شرح زیر است:

۱- جذب مخاطب

پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات خویش مسائل دینی را با زکاوت خاصی به مردم منتقل می‌کردند. ایشان به

شیوه‌های مختلف ابتدا توجه مخاطب را به خود جلب کرده و سپس به بیان محتوای مطلب می‌پرداختند. از بهترین شیوه‌ها شیوه طرح سؤال می‌باشد که ذهن مخاطب را به کنجکاوی می‌اندازد. در قرآن کریم نیز گاهی برای جلب توجه مخاطب از روش طرح سؤال و ایجاد کنجکاوی استفاده شده است. «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادِ إِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ * أَلَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ»^۱ ای رسول ندیدی که خدای تو با عاد (قوم هود) چه کرد و نیز به اهل شهر «إِزْم» در واقع مخاطب به قوم اِزْم فکر می‌کند چگونه با آنهمه قدرت و عظمت گرفتار عذاب الهی شدند.

در بعضی آیات نیز خداوند اشاره‌ای به داستانی تاریخی می‌آورد تا مخاطب کنجکاو دنباله موضوع را بگیرد و تفسیر آیه را متوجه شود. «يٰۤاٰدَمُ لَا يَفْتِنَنَّكَ الشَّيْطٰنُ كَمَا اَخْرَجَ اٰبَوَيْكَ مِنَ الْجَنَّةِ»^۲ ای فرزندان آدم، مبادا شیطان شما را فریب دهد آنگونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد. در این نمونه با یادآوری قصه آدم، انسان از فتنه و فریب شیطان می‌هراسد و سعی در نجات خود دارد.

پیامبر ﷺ از این شیوه استفاده فراوانی می‌کردند. مثلاً روزی پیامبر ﷺ فرمود: «آیا شما را از سلاحی که از دشمن نجاتتان می‌دهد و روزی را بر شما سرازیر می‌سازد آشنا سازم؟ عرض کردند: بفرمایید، فرمود: شب و روز پروردگار خود را بخوانید. زیرا سلاح مؤمن دعاست.»^۳ روش سؤال می‌تواند به گونه‌ای برانگیختن سؤال در ذهن مخاطب نیز باشد به طوری که ذهن جستجوگر مخاطب خود کنجکاوی کرده و سؤال کند. برای نمونه پیامبر ﷺ فرمود: «از نابود کننده لذت‌ها بپرهیزید. عرض شد: نابود کننده لذت‌ها چیست؟ فرمود: مرگ»^۴ گاهی اوقات نیز با تکیه بر اهمیت مطلب، مخاطب کاملاً جذب اهمیت مسأله و شیفته دانستن آن می‌شود. مثلاً برخی احادیث با این جمله آغاز می‌شود: «حدیثی را برای شما می‌گویم که سزاوار است هر مسلمانی آن را بداند.» گاهی نیز با استفاده از تکیه کلام‌های گوناگون و کلماتی ندایی ارتباط محکم با مخاطب ایجاد می‌شود. در خطبه

۱. فجر / ۶-۸

۲. اعراف / ۲۷

۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹۵-۹۵

۴. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۰

پیامبر اکرم ﷺ در حجة الوداع هفت بار از عبارت «يا ايها الناس استفادة شده است. نمونه این استفاده در قرآن کریم نیز هست. در سورة لقمان بارها از عبارت «يا بني» استفاده شده است. «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ^۱» و هنگامی که لقمان به فرزندش در حالی که نصیحت می‌کرد، گفت: فرزندم! برای خدا شریک قائل مشو که شرک به خدا ظلم بزرگی است.»

۲- انگیزش و توجه به جهل مخاطب

در سیره معصومان علیهم‌السلام اصل انگیزش و ایجاد رغبت و انگیزه برای یادگیری بسیار مهم و اساسی است. انگیزه درونی بانی اعمال انسان است. برای مثال وجود حس کنجکاوی در انسان یک انگیزه درونی است. یکی از راههای ایجاد انگیزه درونی این است که نیاز به علم و یادگیری در مخاطب ایجاد شود و بعد روش تربیتی نهادینه گردد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گاه افراد را ابتدا به جهلشان آگاه می‌ساختند و بعد به تربیت دینی یا اخلاقی او می‌پرداختند. روزی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مسجد آمد. مردی نیز وارد مسجد شد و نماز گذارد؛ سپس نزد پیامبر آمد و سلام کرد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پاسخ سلام او را داد و فرمود: «نماز را دوباره بخوان که نماز نخوانده‌ای.» این کار سه مرتبه تکرار شد آن مرد پس از بار سوم درمانده شد و نمی‌دانست عیب نمازش کجاست. عرض کرد: من بهتر از این نماز یاد ندارم تو آن را به من بیاموز. سپس پیامبر کیفیت نماز صحیح را به وی آموخت. در این سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از همان ابتدا می‌توانست نماز صحیح را به او بیاموزد، ولی چنین نکرد. زیرا مرد فکر می‌کرد نماز صحیح را می‌داند و احتیاج به یادگیری ندارد. لذا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ابتدا احساس نیاز را برانگیخت و سپس به تربیت عبادی او پرداخت.^۲

۳- توجه به تفاوت‌های فکری و فردی مردم

توجه به تفاوت‌های فردی اصل مهم تربیتی است. قرآن کریم در مورد تفاوت موجودات با هم فرموده است:

۲. تحف العقول، ص ۱۹۶.

۱. لقمان / ۱۳.

«يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَمُ»^۱ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماست. «معصومان علیهم‌السلام هم به این تفاوت‌ها توجه فراوان داشتند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمَرْنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ النَّاسَ عَلَىٰ قَدْرِ عَقُولِهِمْ»^۲ همانا ما پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقلشان، سخن بگوئیم. «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با هر فرد طبق درک و فهم او سخن می‌گفتند و شیوه تربیتی خود را متناسب با هر فردی، متنوع بکار می‌بردند. و این روش را از قرآن کریم آموخته بودند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَأَنَّمَا يَسْرُنَهُ لِبِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»^۳ ما قرآن را به زبان تو ای رسول آسان کردیم. امید است که مردم، حقایق آن را به یاد آورند.»

حضرت موسی علیه‌السلام نیز از خداوند خواست تا عقد را از زبانش بگشاید تا با مردم ساده و شیوا و در حد فهمشان سخن بگوید. «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * واحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي»^۴

۴- استفاده از فرصت‌ها

معصومان علیهم‌السلام از هر فرصتی برای تربیت دینی و اخلاقی پیروان خود استفاده می‌کردند و اصول تربیتی خود را بیان می‌کردند. برای مثال پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هرگاه می‌خواست اصحاب را به جبهه جنگ اعزام نماید، آنان را جمع می‌کرد و فرامین نظامی را به آنها یاد می‌داد و از فرصت جمع بودن صحابه استفاده می‌کردند و نکات اخلاقی مهمی را به آنان تذکر می‌دادند و می‌فرمودند: «با نام و کمک خدا در راه خدا و با اعتقاد به دین رسول خدا حرکت کنید و خیانت نکنید. حيله نکنید. پیرمرد ضعیف و کودک و زن را نکشید. درختی را قطع نکنید، مگر اینکه ناچار شوید.»^۵ و همچنین امام صادق علیه‌السلام فرمود: «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روزی در بیابان خشک و بی‌آب و علفی

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۸۵

۲. طه / ۲۵-۲۸

۳. سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، محمد داوودی، ج ۲، ص ۱۲۰

۴. حجرات / ۱۳

۵. دخان / ۵۸

توقف کرد و به اصحاب فرمود: بروید هیزم بیاورید اصحاب گفتند: یا رسول الله ﷺ هیزم پیدا نمی شود. پیامبر فرمود: هر کس به اندازه ای که می تواند هر چند کم، هیزم جمع آوری کند. هر کس مقداری هیزم آورد و روی هم انباشت تا پشته ای از هیزم پدید آمد. سپس فرمود: گناهان نیز این گونه جمع می شوند پس از گناه کوچک بپرهیزید. در این سیره پیامبر دستور اخلاقی خویش را عینیت بخشید و با نمونه ای عینی به اصحاب یاد داد. مسلماً در آن بیابان بی آب و علف ذهن اصحاب آماده سخنرانی و خطبه نبود لذا پیامبر از این فرصت به شکل مثال سازی استفاده کردند.

۵- اخلاق نیکو

از علم روانشناسی بدست می آید که خلق و خوی مهربان و اخلاق نیکو تأثیر تربیتی فراوانی در مخاطب دارد. خداوند رسول گرامیش را دعوت به پند و اندرز مردم با زبان و خلق نیکو می کند: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»^۱ ای رسول ما! مردم را با دلیل محکم و پند و اندرز نیکو به سوی پروردگارت دعوت کن. و در جای دیگر نیز می فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»^۲ با مردم با زبان خوش سخن بگوئید.

پیامبر ﷺ نیز به خاطر اخلاق نیکو و جذابیت رفتاری خویش قدرت جذب فراوان داشتند. در واقع نرمی تنها صفت سخن نیست بلکه صفت رفتار و برخورد نیز هست. «أَقَانَتْ تَكْرَهُ النَّاسِ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»^۳ ای رسول! تو کی توانی همه را با جبر و اکراه مؤمن گردانی؟! این سخن خداوند متعال است که خطاب به رسول گرامیش می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^۴ ای رسول رحمت، خدا تو را با خلق مهربان و خوش خوی گردانید و اگر تندخو و سخت دل می بودی، مردم از گرد تو پراکنده می شدند. در مورد خلق و خوی نیکوی پیامبر آورده اند که روزی یک یهودی جلوی ایشان را گرفت و ادعا کرد که پولی از ایشان طلبکار است و هرچه پیامبر با مهربانی به او تذکر می داد که اشتباه کرده است فایده نداشت تا حدی که

۱. نحل / ۱۲۵.

۲. بقره / ۸۳.

۳. آل عمران / ۱۵۹.

۴. بونس / ۹۹.

یهودی به پیامبر ضربه زد و مسلمانان تصمیم به کشتن وی گرفتند. اما پیامبر مانع شد. این مهربانی پیامبر چنان تأثیری بر او گذاشت که در دم مسلمان شد. این روش تنها مخصوص پیامبر نیست بلکه روشی عام است که جنبه تربیتی فراگیر دارد. در واقع هر مسلمانی موظف است با اخلاق نیکو دیگران را دعوت به اسلام کند. «ولا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ؛ شما مؤمنان به آنان که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید تا مبادا آنان نیز از روی جهالت و دشمنی خدا را دشنام دهند.» در واقع خداوند مؤمنان را به سخنانی زیبا و نیکو دعوت می کند تا برای مخاطبان جنبه تربیتی داشته باشد.

تقدّم خودسازی بر تربیت دیگران

پیامبر در برابر غرور و تعصبات فراوان جاهلیت اسلام را اختیار کرد و به تبلیغ رسالت خویش پرداخت. ایشان مسلمانان را دعوت به مکارم اخلاق می کرد و می فرمود: «أَتَى بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» و در سازندگی روح و تکیه بر فرامین اخلاقی از همه پیشتر بود. پیامبر ﷺ با فقیران و مساکین می نشست و غذا می خورد. پوزش عذرخواهان را می پذیرفت و هیچ گاه بر غلامان خود در غذا و لباس برتری نمی جست و لباس و کفش خود را وصله می کرد و تواضع پیشه می کرد تا اگر امر به تواضع کرد خود متخلّق به آن صفت نیکو باشد.^۱ اخلاق پیامبر ﷺ نرم بود و به کسی ظلم نمی کرد و هیچ کس را تحقیر نمی کرد. دنیا و حوادث تلخ آن، وی را غضبناک نمی ساخت و اگر حقی از کسی پایمال می شد به گونه ای خشمگین می شد که کسی نمی توانست آن حضرت را بشناسد.^۲

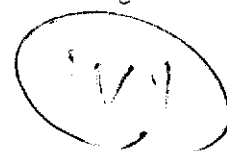
آسیب شناسی تربیت دینی

پیامبر ﷺ به عنوان ریشه تربیت دینی نسبت به خطاهای اعتقادی حساسیت ویژه ای نشان می دادند و در تصحیح خطاهای اعتقادی تنها به تذکر اکتفا نمی کردند و در صورت لزوم به ریشه یابی انحرافات اعتقادی نیز

۲. سیره نبوی، ترجمه سنن النبی، علامه طباطبائی رحمته الله علیه، ص ۸۲ و ۸۳.

۱. انعام / ۱۰۸.

۳. همان، ص ۸۵.



می پرداختند. به عنوان مثال نقل شده است: پیامبر ﷺ، مردی را دید که می گفت: خدایا مرا ببخش، هر چند گمان ندارم که ببخشی. پیامبر ﷺ به او فرمود: چرا به خداوند بدگمانی؟ مرد گفت: به دلیل اینکه قبل از اسلام آوردن و بعد از آن گناه کرده‌ام. پیامبر ﷺ فرمود: گناهان قبل از اسلامت را ایمان از بین برد و گناهان بعدت را نماز.^۱ در این سیره پیامبر علت بدگمانی مرد را ریشه یابی کرد و سپس او را از اشتباه درآورد.

در واقع تربیت دینی تلاشی هدفدار در جهت آموزش عقاید اسلامی است که منحصر به مسجد، کلیسا یا مدرسه علمی نمی باشد بلکه در هر جایی و در هر فرصتی انجام می شود.

شیوه‌های تربیت دینی

پیامبر ﷺ در راه تربیت اخلاقی و معنوی بندگان خدا از دو روش ترهیب (ترساندن) و تشویق استفاده می کردند که از هر کدام در مقام و موقعیت خودش سود می جستند. انذار و تبشیر به همین مقوله اشاره دارد. در قرآن نیز این شیوه برای متوجه کردن مردم مورد استفاده زیاد قرار گرفته است. به عنوان مثال در این آیه آمده است: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا»^۲ یا در آیات دیگر آمده: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ»^۳ خداوند آنان را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده داده است که برای آنان بخشش و پاداش عظیمی است.» در واقع وعده پاداش و عقاب دنیوی و اخروی در حیطه اقتدار خداوند است که پیامبر ﷺ قادر به ابلاغ آن است. پیامبر ﷺ در جنگ تبوک به یکی از کفار فرمود: «مسلمان شو تا خداوند تو را از ترس و وحشت عظیم حفظ کند و سپس مفهوم ترس و وحشت عظیم قیامت را توصیف نمود. مرد آنقدر تحت تأثیر ترس و وحشت کلام پیامبر قرار گرفت که در دم مسلمان شد.^۴ انذار و تبشیر تأثیر فوق العاده‌ای بر روان بشر دارد و گاه باعث می شود که راه زندگی فردی کاملاً دگرگون شود. البته در سیره پیامبر هیچگاه اغراق و بزرگنمایی در وعده یا وعید دیده نمی شود. یعنی انذار در حدی نیست که مخاطب دچار وحشت فراوان شده و خود را

۲. انعام / ۱۶۰.

۱. تربیت دینی، محمد داوودی، ج ۲، ص ۲۳۶.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۵، روایت ۲۵.

۳. مائده / ۹.

دور از بخشش الهی ببیند و همچنین در ترغیب به اعمال صالح نیز چنان از رحمت و مغفرت خداوند متعال سخن گفته نمی شود که مخاطبان تصور کنند که می توانند حریم محرمات را زیر پا گذارند و وارد بهشت نیز شوند.